

اداره صندوق بازنشتگی
سواد بیمه می خواهد

مصطفی روحی زاده، عضو بازنشته هیات علمی دانشگاه

صندوق های بازنشتگی در ایران مؤسساتی به شمار می روند که قرار است بادر یافت درصدی از حقوق افراد شاغل، کمک حال روزهای بازنشتستگی آنها باشند. اکنون از وضعیت نابه سامان این صندوق ها سخن گفته می شود. در باره عوامل ایجاد چالش در صندوق های بازنشتستگی، من بیش از ۲۰ عامل را شناسایی کرده ام، اما اصلی ترین مسأله، نظام اشتغال است که نظام بازنشتستگی هم در حقیقت بازتابی از آن است.

در سازمان ها و ادارات افراد و گروه هایی مشغول به کار هستند که از مزایای گروه های تشویقی برخوردار می شوند. به عنوان مثال افرادی که با مقطع تحصیلی پایین در یک سازمان مشغول به کار هستند و پس از ارتقای مدرک تحصیلی، بدون پرداخت کسورات، افزایش حقوق می گیرند. در زمان ارتقای مدرک، فردی هم که فرضاً پنج سال سابقه کار داشته ۵۰۰ هزار تومان افزایش حقوق دریافت می کند. حاصل ضرب افزایش حقوق و ماه های سابقه کار ملاک تعیین کسورات است که متأسفانه به این شیوه عمل نشده و معمولاً افزایش حقوق در محاسبه کسورات در نظر گرفته نمی شود که برای صندوق ها مشکل آفرین است. البته در سایر گروه های تشویقی نیز شاهد چنین مسائلی هستیم.

مسأله دیگر، مدیریت بنگاه هاست. مدیران صندوق ها با القای محاسبات بیمه ای آشنا نیستند، در حالی که وظیفه مدیر، تعادل بخشی و توازن بخشی به صندوق است، اما آنچه بخش زیادی از مدیران انجام می دهند، صرفاً در یافت اعتبار از خزانه و توزیع آن بین بازنشتستان است که در بهترین حالت، جایگاه و وظایف از سطح مدیریت به توزیع کننده پول تنزل پیدای می کند. انتظاری می رود مدیر یک صندوق در زمینه دریافت کسور به موقع از شاغلان، پرداخت مستمری به موقع به مستمری بگیران، سرمایه گذاری مناسب روی دارایی های با سود خالص بالاتر از نرخ تورم و در نهایت محاسبات بیم سنجی توانمند باشد که متأسفانه مورد اخیر در ایران انجام نمی شود. در صندوق ها عموماً در آمد و هزینه مورد توجه قرار می گیرد. بدیهی است در بدو تأسیس یک صندوق به دلیل بالا بودن نسبت شاغلان به بازنشتستان، درآمدها بیش از هزینه ها باشد اما به جای هزینه و در آمد بهتر است ارزش تعهدات و دارایی ها مورد توجه قرار گیرد. صندوقی موفق است که ارزش دارایی های آن بیش از تعهداتش باشد و در صورت عدم تعادل بین این دو، تغییراتی صورت پذیرد. در همین زمینه تغییراتی مانند تغییر سن بازنشتستگی یا تغییر در کسورات ممکن است در حل مسأله عدم تعادل راهگشا باشند اما انجام آنها به سادگی امکان پذیر نیست و به مدیران آشنابه مسائل بیمه ای نیاز دارد. نحوه انتخاب مدیران در صندوق های بازنشتستگی نیز مشکل آفرین است. افرادی که تجربه حضور در فدراسیون فوتبال را دارند، نمی توانند به عنوان مدیر صندوق بیمه عملکرد قابل قبولی از خود نشان دهند. مدیر صندوق باید فردی با تجربه و آگاه در این زمینه باشد و تغییرات را براساس پارامترها و سناریوهای اقتصادی انجام دهد.

حدود ۲۰ سال است که توصیه می کنیم ورودی های جدید به یک صندوق جدید وارد شوند و اینها با مقررات جدیدی روبه رو باشند. وقتی این موضوع را مطرح می کنیم، مخالفت می کنند چرا که مفهوم بسته شدن صندوق را نمی دانند. بسته شدن صندوق به معنای اتمام فعالیت صندوق نیست، بلکه به معنای این است که ورودی های جدید به صندوق دیگری وارد شوند با شرایط دیگری که پایداری سیستم صندوق حفظ شود. البته انجام این کار مشکل است و نمی توان بار این تغییرات را به تنهایی بر عهده وزارت رفاه و سازمان برنامه و بودجه گذاشت بلکه هیأت دولت، مجلس، قوه قضائیه، دیوان عدالت اداری و مجمع تشخیص مصلحت نظام باید در فرایند ایجاد این تغییر قرار گیرند و فرهنگ سازی برای آن انجام شود.

در پایان باید گفت متأسفانه مسأله صندوق ها در ایران، با یونان مقایسه می شود که صحیح نیست. چرا یانمو نه های موفق مقایسه نمی شویم و از آنها الگو نمی گیریم؟ کشور هایی که به لحاظ نظام بیمه ای مشابه ما هستند و نسبت دارایی صندوق های بازنشتستگی به تولید ناخالص در آنها رقم قابل توجهی است، می توانند الگوی مناسبی برای نقش صندوق ها در شکوفایی اقتصادی باشند.

اختصاص تنها یک هفتم اعتبار مورد نیاز برای «همسان سازی» حقوق ها

بازنشتگان باز هم باید ریاضت بکشند



نسرین هزاره مقدم

بار سنگین مشکلات اقتصادی بر دوش آنها پیاپی است که در یافتی ثابت دارند، آنها پیاپی که نمی توانند همپای صعود قیمت ها، سطح معاش خود را ارتقا دهند و مجبورند با تمام کاستی ها بسازند و دم بر نیآورند. در میمان مزد بگیران اقتصاد، وضعیت بازنشتستان از همه بغرنج تر است. بازنشتستان نه قادر به کسب شغلی هستند نه می توانند منبع درآمدی برای مستمری محدود خود پیدا کنند. اما صندوق های بازنشتستگی که از آنها به عنوان «کمر بند اجتماعی» و «حفاظ امنیتی» یک ملت یاد می شود، امروز در وضعیتی نیستند که بتوانند مطالبات بدیهی و برحق بازنشتستان را برآورده کنند. دولت نیز به نظر نمی رسد در تدوین بودجه حتی نیم نگاهی به این مطالبات و مشکلات داشته باشد. دولت با سیاست های فرافکنانه، همواره برآورده سازی خواسته های قانونی بازنشتستان را به تعویق انداخته که یکی از مهم ترین این خواسته ها «همسان سازی» است.

«همسان سازی»

حلقه مفقوده لایحه بودجه

«همسان سازی مستمری های بازنشتستان با شاغلان هم ردیف» خواسته عموم بازنشتستان کشور است. هم بازنشتستان صندوق کشوری خواستار همسان سازی هستند و هم مستمری بگیران تامین اجتماعی. در شرایطی که در همین ماه های گذشته، بازنشتستان بارها در اعتراض به عدم بهبود سطح معیشتی و اجرایی نشدن همسان سازی اعتراض کرده اند، به نظر نمی رسد که دولت این مطالبه را چندان جدی گرفته باشد، به رغم همه این مطالبه گری ها، بودجه ۹۸ باز هم به جز تامین منابع مالی برای رفع

نیازمندی های روزمره کشور، هیچ یک از تعهدات اجتماعی دولت را برآورده نمی کند و بدون تردید، دستانوردی در زمینه بهبود معیشت نخواهد داشت. بنابراین «همسان سازی» همچنان حلقه مفقوده لایحه بودجه ای است که دولت برای سال ۹۸ در نظر گرفته است. نیمه آذرماه، «محمدباقر نوبخت» با حضور در فراکسیون امید مجلس از اختصاص ۲ هزار میلیارد تومان در بودجه ۹۸ به منظور همسان سازی حقوق بازنشتستان خبر داد. اعتراف رئیس سازمان برنامه و بودجه به تخصیص فقط دو هزار میلیارد تومان برای همسان سازی مستمری های بازنشتستان - که البته منظور از بازنشتستان در اینجا بدو شک فقط برآورده کنند. دولت نیز به نظر نمی رسد در تدوین بودجه حتی نیم نگاهی به این مطالبات و مشکلات داشته باشد. دولت با سیاست های فرافکنانه، همواره برآورده سازی خواسته های قانونی بازنشتستان را به تعویق انداخته که یکی از مهم ترین این خواسته ها «همسان سازی» است.

نصرتی می گوید: کلاً ۲ هزار میلیارد تومان برای همسان سازی حقوق «تمامی بازنشتستان کشور» اختصاص داده و در واقع فقط «یک هفتم» بودجه مورد نیاز، تخصیص داده شده است. با این حساب، بازنشتستان نمی توانند هیچ آمیدی به بهبود اوضاع در سال آینده داشته باشند. علی دهقان کیا، عضو هیات مدیره کانون بازنشتستان شهر تهران می گوید: در بودجه سال بعد، کارگران بازنشته کاملاً نادیده گرفته شده اند. یک ریال برای تامین اعتبار همسان سازی بازنشتستان تامین اجتماعی در نظر گرفته نشده، کما اینکه بودجه در نظر گرفته شده برای کشوری هانیز به هیچ وجه کافی نیست. منصور میرزایی، فرهنگی بازنشته و از فعالان صنفی بازنشتستان کشوری نیز این بودجه را ناکافی می داند و می گوید: کاملاً مشخص است که دو هزار میلیارد تومان به هیچ وجه کافی نیست. به فرض محال اگر بخوانند این بودجه را فقط به معلمان که بخش کوچکی از بازنشتستان کشوری هستند اختصاص دهند، باز هم بکفایت نمی کند. او ادامه می دهد: معضل مستمری های فرهنگیان بازنشته، یک معضل چندبعدی و پیچیده است اما دولت و نمایندگان مجلس هیچ تلاشی برای رفع این معضل صورت نمی دهند. رفع مشکلات معیشتی معلمان، ابعاد مختلف دارد. اول اینکه حقوق در یافتی یک معلم بازنشته به شدت از یک معلم شاغل کمتر است که حل این نقیصه، نیازمند همسان سازی حقوق شاغلان و بازنشتستان فرهنگی ست و دومین مساله که البته از حیث اهمیت از اولی هم اولی تر است، این است که معلمان آنچه شاغل و بازنشته، نسبت به باقی کارمندان دولت،

میرزایی: تازمانی که دولت حاضر نباشد، ریاضت و انقباض راز دوش بازنشته دارد و به بخش های دیگر اقتصاد منتقل کند و تا وقتی که بودجه کافی برای اجرای قانون همسان سازی در نظر گرفته نشود، نمی توان به این بودجه های خرد و ناکارآمد امید بست

در یافتی کمتری دارند. این کمبود باید با تلاش برای «یکسان سازی حقوق کارمندان دولت» جبران شود. حال سوال اینجاست که دولت چگونه با تخصیص فقط دو هزار میلیارد تومان برای کلیه بازنشتستان، می خواهد این مشکلات اساسی را رفع کند؟! شرایط بحرانی صندوق های بازنشتستگی و ناتوانی قریب الوقوع در برآورده سازی مهم ترین نیازمندی های بازنشتستان، قابل کتمان نیست و مشخص نیست چرا دولت در تدوین بودجه سال بعد، این شرایط را به حساب نیآورده است. شهریورماه امسال، مدیرعامل صندوق بازنشتستگی کشوری اعلام کرده بود: برای بودجه سال آینده این صندوق حتماً باید اتفاق جدید و بزرگی بیافتد و ما به عنوان مسئولان صندوق باید حضور و اثرگذاری پررنگ تری در فرایند بودجه نویسی سال ۹۸ داشته باشیم. خواسته تقی زاده، تغییر رویکرد در تدوین بودجه و تزریق پول از خزانه به صندوق های بازنشتستگی بود، امری که در بودجه نویسی سال ۹۸ باز هم محقق نشده است.

نحوه تعامل دولت با بازنشتستان «ناکارآمد» است

منصور میرزایی، رویه حاکم بر

بودجه نویسی های سالانه و نحوه تعامل دولت با بازنشتستان را «ناکارآمد» توصیف می کند و می گوید: در سال ۱۳۸۶ مصوب شد که باید حقوق بازنشته با شاغل یکسان باشد. مقرر شده بود که این اتفاق ظرف مدت ۵ سال رخ بدهد. الان بالای ۱۰ سال گذشته و هنوز اختلاف فاحشی بین حقوق شاغلان و بازنشتگان وجود دارد. به تعامل دولت و نحوه تدوین بودجه ها، هیچ آمیدی نداریم. تازمانی که دولت حاضر نباشد، ریاضت و انقباض راز دوش بازنشته بر دارد و به بخش های دیگر اقتصاد منتقل کند و تا وقتی که بودجه کافی برای اجرای قانون همسان سازی در نظر گرفته نشود، نمی توان به این بودجه های خرد و ناکارآمد امید بست. علی دهقان کیا، موضوع راز زاویه دیگری بررسی می کند و به دشواری های صندوق تامین اجتماعی و خلف وعده های بیشمار دولت در قبال این سازمان می پردازد: در بودجه سال آینده، تامین اجتماعی را اصلاً در نظر نگرفته اند. سازمان برنامه و بودجه به جز ایجاد تبعیض بین مردم و گسترش نارضایتی ها، تاکنون اقدام مثبتی انجام نداده است. سال گذشته، مجلس ۷۲۰۰ میلیارد تومان برای همسان سازی حقوق کارگران بازنشته در نظر گرفت و این بودجه مصوب شد اما در ریغ از پرداخت یک ریال از این بودجه

توقع همسان سازی نداریم! او ادامه می دهد: اصلاً ما کارگران بازنشته توقع نداریم دولت برای اجرای همسان سازی مستمری های ما، بودجه در نظر بگیرد. حتی برای پرداخت دهی ۱۸۰ هزار میلیارد تومانی دولت به تامین اجتماعی نیز اعتبار در نظر نگرفته اند. دولت، بدهی های انباشته خود را به تامین اجتماعی بپردازد، ما توقعی همسان سازی نداریم! عضو هیات مدیره کانون بازنشتستان تهران تأکید می کند: دولت اگر بدهی خود را بپردازد، تامین اجتماعی از محل همان بدهی ها قادر خواهد بود «همسان سازی» را اجرایی کند. برای بازنشتستان تامین اجتماعی وصول بدهی های اولویت بیشتری نسبت به تزریق بودجه برای همسان سازی دارد. اگر بدهی ها پرداخت نشود، نه فقط همسان سازی که همه خدمات رفاهی بازنشتستان و از جمله پرداخت مستمری ها دچار مشکل خواهد شد. آن ۷۲۰۰ میلیارد تومان هم قرار بود از محل بدهی انباشته دولت به سازمان پرداخت شود و به مصرف اجرای همسان سازی برسد.

دهقان کیا به یک مشکل اساسی دیگر ورود می کند: بدهی ۳۱ هزار میلیارد تومانی تامین اجتماعی به بانک رفاه، آن هم با بهره ۳۵ درصد. این بدهی نیز محصول خلف وعده های بیشمار دولت است.

دهقان کیا: سازمان برنامه و بودجه به جز ایجاد تبعیض بین مردم و گسترش نارضایتی ها، تاکنون اقدام مثبتی انجام نداده است. سال گذشته، مجلس ۷۲۰۰ میلیارد تومان برای همسان سازی حقوق کارگران بازنشته در نظر گرفت و این بودجه مصوب شد اما در ریغ از پرداخت یک ریال از این بودجه

او می افزاید: همه گرفتاری های تامین اجتماعی و کارگران بازنشته، دولت ساخته است. دولت، به عبارت دقیق تر مجموعه دولت های پیشین تا امروز، مسئول تمامی مشکلات ما کارگران بازنشته هستند. دولت نه تنها بدهی ها را نمی پردازد بلکه برای تامین حق بیمه ۲۶ گروه خاص از جمله رانندگان و قالیبافان، دست در جیب کارگران می کند.

اعتراض مان را به گوش مدیران سازمان بودجه خواهیم رساند دهقان کیا با تأکید می گوید: به این مساله که مجموعه بزرگ بازنشتستان تامین اجتماعی در بودجه سال آینده دیده نشده اند، به شدت اعتراض داریم و این اعتراض را به گوش مدیران سازمان برنامه و بودجه خواهیم رساند.

بدون تردید این بودجه ریاضتی ست، اما بار این ریاضت ها بر دوش چه کسانی ست. بازنشتستان همه صندوق ها از بانک ها گرفته تا دولت و البته بازنشتستان تامین اجتماعی، از روند تقسیم بیت المال نارضی اند. در این بین، وضع کارگران بازنشته به مراتب وخیم تر است؛ کارگرانی که ۳۰ سال تمام، حدود ۳۰ درصد از دسترنج شان را به حساب صندوقی ریخته اند که حالا نگران آینده اش هستند. برای کارگران بازنشته، «همسان سازی» یک آرمان دست نیافتنی ست، ایده آلی که به این زودی ها محقق نمی شود. آنها امروز نگران پرداخت مستمری هایشان هستند، نگران افزایش ناچیز و حداقلی که هر سال با یکی، دو ماه تاخیر، اعمال می شود، نگران بار اضافی تحمیلی دولت به سازمان تامین اجتماعی.

بی شک این بودجه تا آنجایی که ما می دانیم و تا آنجایی که مربوط به مردم است، «ریاضتی» است. دهقان کیا در مورد وجوه انقباضی بودجه ۹۸ می گوید: به ظاهر ما بازنشتستان باز هم محکوم به ریاضت کشیدن هستیم، اما مساله مهم تری هم وجود دارد؛ آیا همه ابواب جمعی دولت، همه نان خورهای ریز و درشت آن، به اندازه ما ریاضت می کشند؟ فکر نمی کنم.



روزهای گذشته کمیسیون باوزیر تعاون دیدار داشتند که البته بنده حضور نداشتم. همچنین قرار بود هفته گذشته وزیر در کمیسیون حضور پیدا کند که به دلایلی میسر نشد. این روزها هم جلسات کمیسیون را به موضوع کارگران اختصاص دادیم که باید در جلسه حضور پیدا کنیم و ببینیم به چه شکل خواهد بود.

شغلی فعلی باید روند خصوصی سازی متوقف شود چرا که امنیت سرمایه گذاری وجود ندارد و همین باعث می شود آدم های بدون اهلیت مراجعه می کنند و این واگذاری به نااهلان باعث هتک حیثیت نظام و هتک آزادی کارگران می شود. عضو کمیسیون اجتماعی در رابطه با رایزنی این کمیسیون، با وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی گفت:

مایه می گذارد. الان این کارگران هستند که نمی خواهند فولاد ملی از بین برود و نیشکر نابود شود. آنها می خواهند کار و محیط کارشان حفظ شود. چه اصراری است که از خطا کار حمایت شود و به قشر زحمتکش و دلسوز جفا شود. جلودار زاده درباره راهای جلوگیری از تکرار این گونه حوادث نیز گفت: خصوصی سازی باید متوقف شود چرا که این روند بر اساس قانون صورت نمی گیرد. دولت درازای پول ناچیزی که در یافت می کند و سازمان خصوصی سازی هم برای انجام وظیفه و خلاص شدن از این موضوع راهی را در پیش گرفته اند که عایدی آن برای مردم به خطر افتادن زندگی زحمتکشان و دلسوزان است. وی ادامه داد: در شرایط کنونی و تحریم ها برای حفظ فرصت های

حد زیادی حل شد. چرا وقتی خصوصی سازی مشکل دارد، بخش خصوصی مشکل ساز شده و سیستم بانکی مشکل ایجاد می کند کارگر باید مجازات شود؟ عضو فراکسیون کارگری مجلس گفت: دولت سیاست را عوض می کند، کارخانه دار و رشکسته می شود و به زندان می رود و خانواده اش با مشکلات روبه رو می شود، کارگر اخراج و بیکار می شود و بعد از اعتراض او را دستگیر می کنیم. به جای اینکه یک بار به ریشه های نارضایتی توجه شده و رفع شود همیشه این سناریو تکرار و این قربانی است که مجازات می شود. وی افزود: این قربانی می تواند کارفرمای دلسوز و سرمایه گذار باشد یا کارگر اخراجی و زحمتکشی که از جانش برای حفظ مجموعه

عضو فراکسیون کارگری مجلس گفت: چرا وقتی خصوصی سازی مشکل دارد، بخش خصوصی مشکل ساز شده و سیستم بانکی مشکل ایجاد می کند کارگر باید مجازات شود؟! متأسفانه در کشور ما هماهنگی مجازات با جرم هم وجود ندارد.

به گزارش ایلنا، سهیلا جلودار زاده در واکنش به بازداشت های گسترده کارگران گروه ملی فولادها و با اعلام این خبر که جلسه کمیسیون اجتماعی به این موضوع اختصاص یافته، گفت: متأسفانه دچار روندی تکراری شده ایم و بارها گفته ایم که مسائل صنفی را نباید با مسائل سیاسی ادغام کنیم. این تفکیک در باره نیشکر هفت تپه تاحدی صورت گرفت و دیدیم که آن مسئله تا

خبر

جلودار زاده:

چرا وقتی خصوصی سازی مشکل دارد کارگر باید مجازات شود؟